

بررسی جامعه‌شناختی فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان (با تأکید بر قوم بختیاری)^۱

پیمان محمودی* ، ابوالفضل ذوالفقاری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۹

چکیده

در دوره‌ای که دکتر مصدق و دکتر فاطمی درگیر مسئله ملی کردن صنعت نفت بودند در حدود سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۰ در مناطق لرنشین جنوب غرب کشور از کهگیلویه و بویراحمد تا چهارمحال و بختیاری و ناحیه شرقی استان خوزستان شامل مالمیر (ایذه) و مسجدسلیمان واقعه‌ای رخ داد که از آن در بین مردم ناحیه به سال طلوعی یاد می‌شود. این واقعه که با عنوان طلوعی یا سروشی ذکر شده؛ شباهت به یک فرقه یا شبه فرقه دارد که دارای مناسک خاص در شیوه زندگی مانند غذا خوردن و اجرای مراسم مخصوص به خود، همراه با اورداد خاصی بوده است. مرام و مناسکی که این جریان داشته به نوعی

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیمان محمودی در دانشگاه شاهد با عنوان بررسی زمینه‌ها، انگیزه‌ها و پیامدهای شکل‌گیری فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان در مناطق نفت‌خیز جنوب با تأکید بر قوم بختیاری می‌باشد.

* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد. peymanmahmoudi70@gmail.com

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد. zolfaghariab@gmail.com

بررسی جامعه‌شناختی فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان (با تأکید بر قوم بختیاری)^۱

ابوالفضل ذوالفقاری* ، پیمان محمودی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۹

چکیده

در دوره‌ای که دکتر مصدق و دکتر فاطمی درگیر مسئله ملی کردن صنعت نفت بودند در حدود سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۰ در مناطق لرنشین جنوب غرب کشور از کهگیلویه و بویراحمد تا چهارمحال و بختیاری و ناحیه شرقی استان خوزستان شامل مالمیر (ایذه) و مسجدسلیمان واقعه‌ای رخ داد که از آن در بین مردم ناحیه به سال طلوعی یاد می‌شود. این واقعه که با عنوان طلوعی یا سروشی ذکر شده؛ شباهت به یک فرقه یا شبه فرقه دارد که دارای مناسک خاص در شیوه زندگی مانند غذا خوردن و اجرای مراسم مخصوص به خود، همراه با اورداد خاصی بوده است. مرام و مناسکی که این جریان داشته به نوعی

۱- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیمان محمودی در دانشگاه شاهد با عنوان بررسی زمینه‌ها، انگیزه‌ها و پیامدهای شکل‌گیری فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان در مناطق نفت‌خیز جنوب با تأکید بر قوم بختیاری می‌باشد.

zolfaghariab@gmail.com

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران.

peymanmahmoudi70@gmail.com

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران.

افراد را به ترک و بی‌توجهی به دنیا سوق می‌داده است. در میان بختیاری‌ها و در ناحیه مسجدسلیمان شخصی به نام سر جیکاک (مشهور به سید جیکاک) حضور داشته که اصالتاً انگلیسی بوده است و با شرکت نفت انگلستان به بختیاری آمده و در این ناحیه زندگی کرده است و شناخت کافی را بدست آورده؛ از این‌رو با ملی شدن صنعت نفت، این جریان را به راه انداخته بلکه مردم این ناحیه را نسبت به این موضوع (ملی شدن صنعت نفت) بی‌تفاوت کند. در این پژوهش از روش کیفی و استراتژی تئوری زمینه‌ای استفاده شده؛ سؤال اصلی پژوهش با استفاده از تئوری زمینه‌ای تبدیل به مدل پارادایمی شده و برخی از سؤالات فرعی نیز از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی از ۲۳ نفر از افراد مورد نظر، مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد و این مصاحبه‌ها به‌صورت مفاهیم و مقولاتی که خودشان ابراز داشته بودند کدگذاری شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این فرقه ساختگی بوده و دوام چندانی نداشت. هم‌چنین از جمله عوامل زمینه‌ای می‌توان به عدم آگاهی، بی‌سوادی، عدم حضور روحانیون، و هم‌چنین از انگیزه‌های آن می‌توان به ترس، سرآمدی، هم‌رنگ جماعت شدن، داشتن جذابیت و رمزآلودگی اشاره کرد. هم‌چنین از جمله پیامدهای آن نیز می‌توان به دنیا‌گریزی، دین‌داری مناسک‌گرا، فقر، آبروریزی، تفرقه و نزاع بین طوایف، توهم‌زایی و خرافه‌گرایی، کاهش جرائم اجتماعی و انجام اعمال خلاف شرع اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: طلوعیان، بختیاری، فرقه، ملی شدن صنعت نفت ایران

بیان مسئله

قدرت‌های استعماری در طول دوران استعمار همواره سعی داشته‌اند تا به‌واسطه ایجاد فرقه‌های دینی و مذهبی و با سوءاستفاده از اعتقادات مردم آنان را گمراه کرده و در جهت منافع اقتصادی خود قدم بردارند. اگرچه استعمار در ایران نمود عینی تاریخی

نداشته است اما می‌توان یکی از راه‌های نفوذ شبه‌استعماری انگلیس در ایران و مداخله آن را در قالب فرقه‌گرایی مورد بررسی قرارداد. از جمله این فرقه‌ها می‌توان به فرقه بهاییت اشاره کرد (نجفی، ۱۳۸۸) که در دوران خود مسائلی را به وجود آورد. اگرچه ایران هیچ‌گاه به‌عنوان مستعمره درنیامده است اما به سبب وجود ضعف‌های داخلی ایران در دوره معاصر، از سوی بیگانگان همواره مورد مداخله قرار گرفته است، اما نکته قابل‌توجه این است که در کشورهایی که به‌عنوان مستعمره درآمدند به‌راحتی می‌توان ردپای پروژه‌های استعماری در آنان را دریافت، اما در کشورهایی همچون ایران که به بیانی دارای حالت نیمه مستعمره با عنوان وابستگی به کشورهایی نظیر انگلستان را داشته است، اقدامات بیگانگان عموماً به‌صورت پنهانی بوده است و یافتن ردپای استعمار دشوار است.

یکی از فرقه‌های مذهبی سیاسی که - بنا بر گفته مرادی خلیج و همکار، ۱۳۹۳ - توسط انگلستان در مناطق لرنشین کهگیلویه و بختیاری و هم‌زمان با جریان ملی شدن صنعت نفت به وجود آمده، فرقه طلوعیان بوده است. در فاصله سال‌های بین ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ ه.ش در منطقه بختیاری که شامل بخش‌های غربی استان چهارمحال بختیاری تا نواحی شرقی استان خوزستان می‌شده است یک فرقه مذهبی شکل گرفت که در بین مردم با عنوان سروشیان یا طلوعیان مشهور است و هنوز هم مردم این ناحیه از آن سال با عنوان سال طلوعی یاد می‌کنند. این واقعه که با عنوان طلوعی یا سروشی ذکر شده؛ شباهت به یک فرقه دارد که دارای مناسک خاص در شیوه زندگی مانند غذا خوردن و اجرای مراسم مخصوص به خود، همراه با شعارهای خاصی بوده است. مرام و مناسکی که این جریان داشته به‌نوعی افراد را به ترک و بی‌توجهی به دنیا سوق می‌داد. در میان بختیاری‌ها و در ناحیه مسجد سلیمان شخصی به نام سر جیکاک (مشهور به سید جیکاک) حضور داشته که انگلیسی‌تبار بوده است و با شرکت نفت انگلستان به بختیاری آمده و در این ناحیه زندگی کرده است و شناخت کافی را بدست آورده بود (مرادی

خلج و همکار، ۱۳۹۳) از این رو با ملی شدن صنعت نفت، این جریان را به راه انداخته بلکه مردم این ناحیه را نسبت به ملی کردن نفت بی تفاوت کند. مردم برخی مناطق نامی را که خود بر این فرقه نهاده بودند با عنوان «سروشی» از آن یاد می کردند این مفهوم از گذشته در فرهنگ بختیاری وجود داشته است و برای کسانی مورد استفاده بود که دچار حالات جنون و یا دیوانگی می شده اند و از این رو در «سال طلوعی» به افرادی که گرایش به فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان داشتند، در برخی از نقاط گفته می شد که دچار «سروشی» شده اند.

هم چنین افرادی که زودتر دچار طلوعی می شدند به عنوان «سرطلوع» مشهور بودند که نقش رهبری افراد را بر عهده داشته اند. وقتی کسی طلوعی می شد به بالینش می رفته و با گفتن این که به حکم علی (ع) برخیز، فرد نیز بلند می شده است. برخی نیز اظهار کردند که سرطلوع با تسبیح به افراد دچار طلوعی شده می زده و برخی نیز گفته اند این کار را با یک چوب که در دست داشته انجام می داده است. از آنجایی که درباره طلوعیان کار چندانی صورت نگرفته و تنها مقاله ای که وجود دارد توسط مرادی خلج با همکاری برخی دیگر (۱۳۹۳) با عنوان «پدیده طلوعیان و نقش انگلیسی ها در شکل گیری آن» نوشته شده است و تمرکز آن در منطقه کهگیلویه و بویراحمد بوده است و در آن به نقش شخصی به نام «آقابابا» اشاره کرده اند. هم چنین این فرقه را کار دولت انگلیس می دانند که توسط جیکاک طراحی شده بود؛ در این مقاله مهم ترین وعده آن ها ظهور قریب الوقوع امام زمان (عج) بوده است و هدف آن را سیاسی و جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت دانسته اند. آن مطالعه به لحاظ محدوده مکانی در منطقه کهگیلویه و بویر احمد و از نظر موضوع نگاه توصیفی و تاریخی دارد و هم چنین روش تحقیق آن توصیفی و تاریخی است در حالی که محدوده مکانی پژوهش حاضر منطقه بختیاری نشین در استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان بوده همچنین به لحاظ موضوعی نیز نگاه جامعه شناسانه دارد و به لحاظ روش تحقیق هم از روش کیفی و استراتژی گراند د

تئوری استفاده کرده است. بنابراین فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان یکی از حوادث تاریخی دوران معاصر کشور و هم‌زمان با ملی شدن صنعت نفت بوده است که واکاوی جنبه‌ها و مکانیزم درونی آن به سبب سایه انداختن جریان ملی شدن صنعت نفت بر آن از یکسو؛ و از سوی دیگر قِلت منابع مکتوب درباره آن، مورد غفلت قرار گرفته است. از سوی دیگر اطلاعات مردم و به‌ویژه نسل‌های بعد از انقلاب و حتی برخی از افراد که قبل از انقلاب زیست کرده‌اند درباره این موضوع بسیار ناچیز و حتی بسیاری از مردم بختیاری نیز از آن اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند از این‌رو جامعه علمی نیز برای تحلیل همه‌جانبه‌تر ملی کردن صنعت نفت، نیاز است که این جنبه از آن (یعنی فرقه طلوعیان) نیز در نظر گرفته شود.

اطلاعات بدست آمده ما از افرادی بوده است که در زمان شکل‌گیری فرقه حضور داشته یا به عضویت در آن درآمده‌اند. برخی افراد در منطقه بختیاری معتقدند که این یک بلا و غضب الهی بوده است که به علت گناه و عدم نمازخواندن مردم از سوی پروردگار بر آنان نازل شده است و عده‌ای بر این اعتقادند که این فرقه سحر و جادو بوده است و برخی نیز اظهار داشتند، یک بیماری و جنون بوده که مردم دچار آن شده بودند (مصاحبه با مرادی، عالی پور، ۱۳۹۵). از این‌رو لازم است تا به جوانب این فرقه پرداخته شود تا برای آگاهی‌بخشی به جامعه گامی برداشته شود و پرتو نوری به تاریخ کشور و به‌ویژه تاریخ منطقه بختیاری و نقشی که سال‌ها انگلیس با حضور خود در این منطقه داشته‌اند افکنده شود. ما در این پژوهش به دنبال تجربه زیسته افراد درباره گرایش به فرقه طلوعیان و هم‌چنین از تجربیات کسانی که به‌واسطه یک نسل این واقعه را شنیده‌اند و یا خود در دوران کودکی بوده‌اند، هستیم. بخش دیگری از داده‌ها از طریق کتب، مقالات و اسناد بدست آمده است. اما این سؤال که نقش انگلیس در راه‌اندازی فرقه طلوعیان چه بوده است، بیش از آن‌که جامعه‌شناختی باشد در حوزه علوم سیاسی قرار دارد. بنابراین این که این فرقه چگونه در جامعه جاباز کرده و چه انگیزه‌هایی سبب

گرایش افراد به آن شده است و پیامدهایی که این فرقه بر جامعه نهاده است به لحاظ جامعه‌شناختی مهم به نظر می‌رسد. به بیان دیگر پتانسیل‌های داخلی و درونی ایجاد و رشد این فرقه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش بررسی زمینه‌های ساختاری و انگیزه‌های افراد و مکانیزم ورود آن‌ها به این فرقه و پیامدهای شکل‌گیری فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان است.

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش کیفی و استراتژی گرانددتئوری انجام شد. منظور از پژوهش کیفی هر نوع پژوهش است که یافته‌هایی تولید کند که با توسل به عملیات آماری یا سایر روش‌های شمارشی حاصل نیامده باشد. موضوع پژوهش کیفی می‌تواند زندگی اشخاص، تجربه‌های زندگی، رفتارها، هیجان‌ها، احساس‌ها و نیز کارهای سازمانی، جنبش‌های اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی و تعاملات میان ملت‌ها باشد. دلایل بسیاری برای انجام پژوهش کیفی هست. ترجیح و تجربه پژوهشگر یک دلیل است (استراوس و همکار، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۳). محقق عملاً به سوی مردم می‌رود، وضعیت‌ها، مکان‌ها و یا مؤسسات را مشاهده کرده و یا رفتارهای مردم را در حد شرایط طبیعی ثبت می‌کند (ازکیا و همکار، ۱۳۸۹: ۲۹۵). در این پژوهش از تکنیک مصاحبه جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. در این پژوهش به سبب ماهیت کیفی داشتن، موضوع پرسشنامه از نوع ساختاریافته نبوده است بلکه می‌توان پرسشنامه را نیمه ساختاریافته دانست، به این صورت که چند پرسش درباره سال طلوعی از افراد پرسیده می‌شد- سؤالات بدست آمده حاصل مطالعه برخی کتب و پرس‌وجوهای اولیه بود- و سپس پرسش‌های بعدی با توجه به گفته‌های افراد و به صورت واکاوی از دل حرف‌های آنان بیرون کشیده و پرسیده می‌شد. در مجموع از ۲۳ نفر از افراد مورد نظر با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی مصاحبه گرفته شد. افراد مورد نظر روایت‌هایی از تجربه زیسته

بررسی جامعه‌شناختی فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان ... ۱۲۳

خود و شنیده‌ها و مشاهدات خود را در رابطه با مسئله پژوهش روایت کردند. مشخصات افراد مورد مصاحبه در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های اجتماعی و جمعیت شناختی افراد

متغیرها و ویژگی‌های جمعیت شناختی	ابعاد/ مشخصه‌ها	آماره‌های توصیفی
نمونه آماری	مقوله	فراوانی
جمعیت	مرد	۲۲
	زن	۲
توزیع سنی	در زمان وقوع طلوعی (۳۰-۱۰)	۲۱
	در حال حاضر (۹۷-۷۰)	۲۱
وضعیت تأهل	در زمان وقوع طلوعی	۵
	در حال حاضر	۲۱
شغل	کشاورز دامدار	۱۹
	کارمند	۱
	خانه‌دار	۲

یافته‌ها

زمینه‌ها^۱ و شرایط علی وقوع واقعه

مراد از زمینه‌ها در این پژوهش همان بافتی است که پدیده مورد بررسی در آن به وقوع پیوسته است. این بافت شامل چند سال قبل از وقوع پدیده می‌باشد. اگرچه همه شرایط مورد نظر رابطه علی مستقیم با وقوع پدیده مورد نظر نداشته‌اند و اگرچه به‌عنوان شروط کافی نبوده‌اند، اما شروط لازم برای وقوع پدیده مورد نظر هستند. استراوس و کوربین

زمینه را نشانگر مجموعه خصوصیات ویژه‌ای می‌دانند که بر یک پدیده دلالت دارند. به بیان دیگر وقایع مرتبط با پدیده‌ای در طول یک بعد است (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷). برای مطالعه زمینه‌های اجتماعی به جای شروع پژوهش از نظریه‌ها به مفاهیم حساسیت‌برانگیز نیاز است. درحالی که برخلاف سوء تفاهم گسترده موجود، این مفاهیم خود از دانش نظری پیشینی متأثرند (فلیک، ۱۳۹۱: ۱۳).

بر اساس نگاه جامعه‌شناختی به تاریخ معاصر باید گفت که در دوره تنباکو که اولین مقاومت ملت در برابر بیگانگان و اولین شکاف بین دولت و ملت بوده است که در آن شاهد نقش اساسی عنصر دین به رهبری روحانیت هستیم و این موضوع در جریان مشروطیت رو به کم‌رنگ شدن رفت تا جایی که منجر به اعدام شیخ فضل‌ا... شد. این موضوع بعد از کودتای رضاخان و سرکار آمدن وی نیز ادامه پیدا کرد. در دوره رضاشاه که فعالیت سیاسی به سبب خفقان حاکم مسدود شده بود و هم‌چنین رضاشاه که به سبب انجام اقدامات متجددانه خود و کژفهمی که نسبت به دین و روحانیت و حتی جریان نوسازی داشت، دل‌خوشی از روحانیت نداشت. از این رو در این زمینه حتی فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی دین که از سوی روحانیت اعمال می‌شد نیز ممانعت به عمل می‌آمد و در نتیجه در یک دوره طولانی مدت در بسیاری از مناطق هیچ‌گونه فعالیت دینی وجود نداشت و همین امر به‌ویژه در مناطق محروم مانند نواحی بختیاری نیز در ناآگاهی مردمان این مناطق بسیار تأثیرگذار بوده است. از این رو زمینه را برای انجام فعالیت دیگر افراد و گروه‌ها در این منطقه مهیا کرد. در این پژوهش زمینه‌ها به دو بخش شرایط علی و انگیزه‌ها تقسیم شده است. شرایط علی در این جا بیشتر به عوامل بیرونی و محیطی مربوط می‌شود و انگیزه‌ها نیز بیشتر به عوامل درونی مصاحبه‌شوندگان مربوط است. بنابراین شرایط علی و محیطی را می‌توان به‌عنوان شرایط لازم در نظر گرفت که فراهم‌کننده راه‌اندازی فرقه بوده‌اند. شرایط درونی و انگیزه‌ها را نیز می‌توان به‌عنوان شرایط کافی در نظر گرفت که افراد بر آن اساس اقدام به همراهی با فرقه سیاسی

مذهبی طلوعیان کرده‌اند. البته زمینه‌های آن نیز در بخش جداگانه آورده می‌شود. یعنی شرایط علی و انگیزه‌ها را که به‌طور جداگانه می‌آوریم. اگرچه شرایط علی و انگیزه‌ها را باید در ذیل زمینه‌ها جای داد اما در مدل پارادایمی، زمینه‌ها به‌صورت جداگانه و با استفاده از دانش نظری با تأکید بر مفاهیم حساسیت‌برانگیز اتخاذ شده است.

زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی

از جمله ویژگی‌هایی که برای مردم بختیاری و نواحی لرنشین در جنوب غرب کشور شامل منطقه کهگیلویه و بویراحمد تا نواحی بختیاری نشین می‌توان نام برد، اهتمام کلیه مردم به مذهب شیعه دوازده‌امامی و ارادت خاص مردم منطقه به ائمه (ع) و خصوصاً حضرت علی (ع) می‌باشد. وجود صدها مقبره منسوب به امام‌زادگان و سادات علوی و پراکندگی آن در کل منطقه بختیاری، خود نشان از وضعیت اجتماعی و فرهنگی خاص این منطقه دارد. هم‌چنین به تاسی از ارادت به امام علی (ع)، اعتقاد به امام زمان (عج) به‌عنوان منجی آخرالزمان باور عمومی مردم منطقه است. از سوی دیگر آمیختگی دین با انواع خرافات توسط افرادی با نام ملاها در منطقه وجود دارد که مردم برای رفع گرفتاری‌ها و مشکلات خود به آنان مراجعه می‌کنند. از این‌رو ملاها در منطقه افراد مطهر و پاکی شناخته می‌شدند و در بسیاری از نواحی نیز ملاها به‌عنوان سرطلوع بودند که به ترویج طلوعی کمک می‌کردند. یکی از این افراد در ناحیه کهگیلویه و بویر احمد شخصی به نام آقابابا نام داشته است؛ آقابابا رهبر طلوعیان، تا پیش از ادعای خود، به دعانویسی در میان مردم مشغول بود. او می‌گوید اگر کسی بیمار می‌شد برای او دعا می‌نوشتم، زن‌ها برای سلامتی فرزندان و مهر محبت بین خود و همسران می‌خواستند دعا بنویسم و من خواست آن‌ها را اجابت می‌کردم. برای زنان آبستن... جهت حفظ گوسفندان و از گله بازمانده... به تمنا و خواهش افرادی، به نیت خواب دیدن برای آن‌ها شبی را تعیین می‌کردم (طاهری بویر احمدی، ۱۳۸۸: ۴۵۶). در منطقه بختیاری نیز ملاهای بسیاری به‌عنوان سرطلوع بوده‌اند. اما مهم‌ترین آنان شخصی بانام سید

علاءالدین بوده است. سید علاءالدین مرد خوش‌نام و اهل عبادتی بود که به گفته خواهرزاده‌اش دارای نفوذ اجتماعی زیادی در منطقه بختیاری بوده است تا جایی که با محمدرضا شاه پهلوی نیز عکس گرفته است.

بسیاری از آداب، رسوم و سنت‌های بختیاری‌ها که صدها سال است در میان آنان رایج است به نوعی با فرهنگ شیعی آمیخته است. دوستی و محبت به خاندان رسالت و امامت بر تمام زندگی آنان سایه انداخته و توسل به آنان در همه امور دیده می‌شود. در لالایی‌ها، اشعار و تصنیف‌های محلی، متل‌ها، افسانه‌ها و داستان‌ها می‌توان ارادت و شیفتگی بختیاری‌ها به ائمه معصومین (ع) را به وضوح لمس کرد. رسم صلوات خوانی به هنگام برداشت محصول در خرمن‌ها صدها سال قدمت دارد. احترام و ارج نهادن به امام‌زاده‌ها، سادات و سنت نذر به‌ویژه دادن نذر به سادات، رسمی بسیار کهن، فراگیر و عمومی است، هر طایفه و خانواده بختیاری خود را مرید و وابسته به یک امام‌زاده و سادات منتسب به آنان می‌داند و دادن نذری به آن‌ها را یک وظیفه سالیانه قلمداد می‌کند. در گذشته رسم بود برای اثبات جرم یا بی‌گناهی شخصی با انجام تشریفات خاصی در امام‌زاده حاضر می‌شدند و شخص با سوگند در امام‌زاده بی‌گناهی خود را اعلام می‌کرد و عموم مردم نیز به سوگند وی اعتماد و اطمینان می‌کردند. موارد زیادی گزارش شده است که شخص بعد از حضور در امام‌زاده به جرم و گناه خود اعتراف کرده و طلب بخشش نموده است. از نگاه یک ایللیاتی مهم‌ترین و مطمئن‌ترین سوگند و پیمان، آن بود که در یک مکان مقدس و در جوار مرقد یک امام‌زاده جاری و منعقد گردد. در اشعار فولکلور چنین آمده است: «بیو بریم شاه‌چراغ عهدی بوندیم - هرکمون عهد بشکنیم کمر نبندیم»^۱ (علیزاده گل‌سفیدی، ۱۳۹۲: ۲۳۳)

۱- بیا به شاه‌چراغ برویم و در آنجا سوگند وفاداری ببندیم که هرکدامان ثابت‌قدم نماند شاه‌چراغ به کمرش بزند و دیگر کمر راست نکند.

انگلستان از دیرباز بر اساس نگاه استعمارگرایانه‌ای که به دنیا داشت سعی در شناخت اجتماعی سیاسی و فرهنگی نواحی تحت نفوذ و سلطه‌اش داشته است، چرا که بدون شناخت و معرفت نسبت به این نواحی نمی‌توانسته که سیاست‌های استعماری خود را پیش ببرد. از این رو در ایران، شاهد حضور سیاح‌ها و جهانگردهایی بوده‌ایم که همواره به قصد شناخت و جمع‌آوری اطلاعات به ایران سفر کرده‌اند. از جمله این افراد می‌توان به راویلنسون^۱ فرانسوی و یا لایارد^۲ انگلیسی اشاره کرد. لایارد سرزمین بختیاری از حدود اصفهان تا نواحی شمال خوزستان را سیاحت کرده و آداب و رسوم و تاریخ مردمان این نواحی را مورد بررسی قرار داده است. در یکی از خاطراتی که عنوان می‌کند نوشته است که «در خلال مدتی که در بختیاری اقامت داشتم چند بار شاهد شکار شیر بودم. یک روز بعد از ظهر هنگامی که محمدتقی‌خان با عده‌ای از روسای بختیاری طبق معمول در مدخل دروازه قلعه نشسته بودند یک نفر نفس‌زنان که تازه از راه رسیده بود در یک حالت هیجان‌انگیزی اظهار داشت هنگامی که در بین راه می‌آمدم با یک شیر مصادف شدم که می‌خواست به من حمله کند، وقتی او را به نام علی قسم دادم که مرا ببخشد، چون مسلمان و شیعه بود بلافاصله از سر راه هم دور شد» (لایارد، ۱۳۶۷: ۱۳۳).

این موضوعی را که لایارد عنوان کرده است - چون خود از مأموران اینتلیجنس بریتانیا بوده است - بعدها سر جیکاک به‌عنوان زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در بختیاری شناخته و با توجه به شناختی که از قوم بختیاری به دست آورده بود، فرقه طلوعیان را بنیان نهاد، چرا که طلوعیان نیز اساساً متوسل به مولا علی (ع) می‌شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که سر جیکاک و دولت انگلیس به‌خوبی از سرزمین بختیاری و ویژگی‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی این ناحیه خبر داشته‌اند و بر آن اساس دست به برنامه‌ریزی و تأسیس سروشیان و یا طلوعیان زده‌اند. از سوی دیگر عدم وجود نظام

1. Sir Henry Rawlinson
2. Austen Henry Layard

آموزشی و بی‌سوادی مردم منطقه و دوری از شهرهای بزرگ به سبب محصور بودن در حصار کوهستانی و هم‌چنین عدم حضور عالمان و مبلغان دینی در آن زمان، زمینه‌ساز رشد و گرایش به فرقه طلوغیان شد. «اکثر دهقانان و قبایل به‌ندرت یک روحانی می‌دیدند و در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ه.ش بود که اسلام سازمان‌یافته در اکثر روستاها گسترش یافت» (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۲۶۴).

از دیگر عوامل مؤثر جنگ و غارت و راهزنی بود که در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ شمسی در ناحیه بختیاری بسیار وجود داشته است که بخشی از آن غارت‌ها ریشه درون ایلی داشته است و بخشی از آن نیز ریشه برون ایلی داشته است. بخشی از آنچه که غارت درون ایلی بوده است ناشی از راهزنی سایر اقوام لر نشین بوده که در منطقه بختیاری به آنان (تریده) می‌گفتند. این غارت‌ها به‌ویژه از دوره رضاشاه به بعد که دولت رضاشاه عشایر بختیاری را خلع سلاح کرده بود بیشتر رخ می‌داد و در نتیجه این غارت‌ها تمام تلاشی را که یک خانواده بختیاری در طول یک سال و شاید هم در طول تمام عمرش به دست آورده بود را توسط غارتگران طیبی و بهمی که از اقوام لر بوده و هم‌جوار بختیاری در کوه‌های کهگیلویه و بویراحمد می‌زیسته‌اند را بر باد می‌داد. در آن سال‌ها راهزنی و کشمکش بین برخی از اقوام بختیاری و سایر اقوام لر طیبی و بهمی که ساکن کهگیلویه و بویراحمد بودند اتفاق می‌افتاد. یدا...کیانی قلعه‌سردی که خود شاهد این وضعیت بوده است در این‌باره می‌گوید: من خود شاهدی غمگین بودم حدود سال ۱۳۲۸ پاییز که همیشه ایل بختیاری از ییلاق به قشلاق می‌آمدند اتفاق افتاد. آن روز ایل الاسوند و زراسوند و باپیر و گرگ‌گیر و ایمری و شالو از ترس غارت مردان طیبی و بهمی از کهگیلویه و بویراحمد با هم مخلوط شده بودند و یک‌جا در این سرزمین بار انداخته بودند و تمام حشم و مال دارایی خود را نیز همراه داشتند (کیانی قلعه‌سردی، ۱۳۹۰: ۷۸). این موضوع همواره یکی از مصیبت‌های جامعه بختیاری بوده است و ترس همیشگی از غارتگران در بین مردم این جامعه وجود داشته است. البته دلیل این موضوع

ناشی از مسلح بودن غارتگران و عدم داشتن سلاح گرم توسط قوم بختیاری بوده است چرا که رضاشاه تمام اسلحه و مهمات این قوم را از آنان گرفته بود.

در سند شماره ۱۰۱۳ به تاریخ ۱۳۲۶/۷/۲۳ درباره غارت و راهزنی در ایل بختیاری آمده است: اهواز- استانداری

«گزارش مورخه ۲۶/۶/۲۸ حاکی است که ایل بختیاری موقعی که به گرمسیر عزیمت می‌نموده‌اند، بین راه مصادف با سیصد سارق مسلح (بهمئی و طیبی) شده. در نتیجه زدوخوردی درگرفته، چندین نفر مقتول و مجروح و قریب پانصد هزار حشَم و سی قبضه تفنگ آن‌ها را سارقین بر بوده‌اند.»

از دیگر زمینه‌های مهم اجتماعی در این نواحی می‌توان به قحطی رخ داده در سال‌هایی که نیروهای متفقین کشور را اشغال کرده بودند اشاره کرد. این قحطی در ناحیه بختیاری نیز شیوع پیدا کرده بود که سبب مرگ بسیاری از افراد شد. به تناسب این مسئله قحطی سبب شده بود تا مردم به نوعی انزوای درونی و زهد درونی گرایش یابند و از این رو این موضوع نیز زمینه‌ای لازم برای رشد فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان را فراهم می‌کرد.

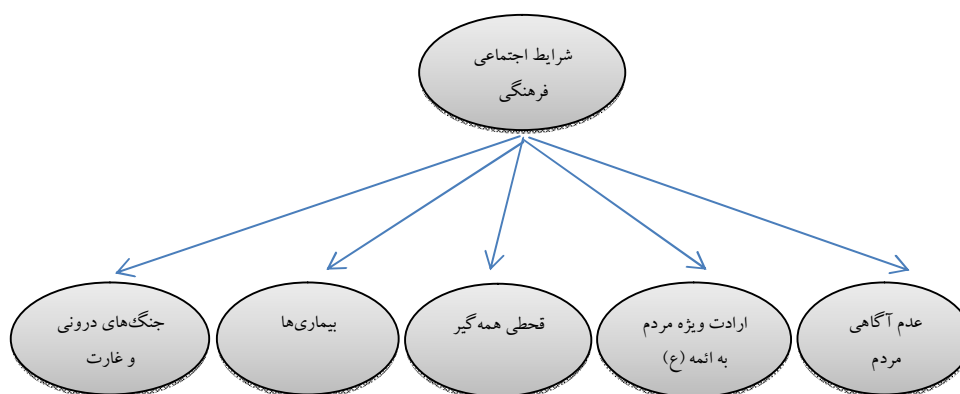
یدا... کیانی قلعه سردی در این باره در کتاب خاطرات خود بیان داشته است: در سال ۱۳۲۰ ه.ش که جنگ جهانی دوم رخ داد من در آن موقع پنج سال داشتم همان سال قحطی بسیار سختی که تمام ایران را در بر گرفته بود روستای ما هم بی‌بهره از این قحطی نبود و به تمام روستاهای دیگر هم سرایت کرده بود. بسیار سخت و ناگوار بود و اثر خیلی بدی در میان روستاها به جای گذاشت و مردم این دیار اکثراً نان خالی هم برای خوردن نداشتند و گیاهی به نام زَهلت روئیده می‌شد و زن و مرد در بیابان برای چیدن این گیاه هجوم می‌بردند و آن را چیده و می‌آوردند می‌پختند و بعد در ماست انداخته و به جای غذا می‌خوردند ولی چون نان نبود زیاد تأثیرگذار نبود... ولی این هم

جای نان را نمی‌گرفت و اکثراً از بی‌قوتی مریض شده و اسهال گرفته و از بین می‌رفتند و این قحطی ناراحتی زیادی به بار آورد ولی این سال برای گوسفندان سال خوبی بود و شیر فراوان بود که بیشتر خوراک مردم می‌شد و خوشبختانه آخر سال بود که گرانی اتفاق افتاده بود و اول فرودین ۱۳۲۱ در یکی از روستاها به نام رکعت که به روستای ما نزدیک است چون هوای آن‌جا بهتر بود، جو و گندم به بار نشست و سریع رفتند آن‌ها را چیده و حاصل را صرف نمودند (کیانی‌قلعه‌سردی، ۱۳۹۰: ۸۹). از جمله علل بروز قحطی در کشور ورود نیروهای متفقین بود. از سوی دیگر مقارن با جنگ جهانی دوم قحطی به‌صورت همه‌گیر سراسر جهان را نیز در بر گرفته بود.

وقوع بیماری‌ها (نظیر حصبه، وبا و...) نیز یکی دیگر از عوامل مؤثری بود که سبب شد تا جامعه رو به سوی انزوای درونی برود و در نتیجه انتظار بیرون آمدن دستی از غیب برای رهایی آنان در جامعه پیدا شد. خانم شیخ‌زاده در این باره بیان می‌کند: در آن سال‌ها بیماری آمده بود و بسیاری از مردم به سبب بیماری جانشان را از دست داده بودند (شیخ‌زاده، مصاحبه ۹۵/۹/۵).

در اوج این همه فقر، ستم، ناامیدی، خستگی و درماندگی از جنگ‌های بی‌ثمر، در شرایطی که از هر کس و هر جهت ناامید شده بودند، ناگهان فریاد امیدبخش به سمع مردم رسید. راست یا دروغ، توده مردم حتی راهزنان و یاغیان و مهم‌تر از آن‌ها بعضی از خوانین و کدخدایان، با هر نیت و هدفی به این ندای امیدبخش که خبر از ظهور قریب‌الوقوع امام زمان (عج) و رهایی از ظلم و ستم و خبر از عدالت و برابری و برادری می‌داد، گوش دادند و دعوت طلوعیان را پذیرفتند تا طلوعی شوند و طلوع عدالت و امنیت را به نظاره بنشینند (مرادی خلیج و روشنفکر: ۱۳۹۳). البته در ناحیه بختیاری طبق آنچه که در مصاحبه‌ها گردآوری شده است هیچ نامی از ظهور امام زمان (عج) آورده نشده است و از این رو آنچه که در روزنامه آسیای جوان و یا در دیگر منابع آورده شده است با منطقه مورد نظر ما تفاوت دارد. البته این که طلوعیان را یک

فرقه هزاره‌ای معرفی کنند ممکن است در ناحیه کهگیلویه و بویراحمد این گونه بوده باشد. نکته دیگر در خصوص همه‌گیر شدن و گسترش تعالیم فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان مربوط می‌شود؛ در وهله اول ارادت خالصانه مردم به ائمه و به‌ویژه حضرت علی (ع) و ترس از این که اگر دچار این واقعه نشوند مورد غضب ائمه قرار خواهند گرفت، بود. از سوی دیگر نفوذ و کاریزمایی که اشخاص سرطلوع و یا رهبران آنان در میان مردم هر روستا به‌عنوان مالاها و یا افراد فهیم تلقی شده، داشتند نیز خود در گسترش آن بسیار مؤثر بوده است. البته با توجه به این که ما در تعریف طلوعی آن را به طلوعی در زبان مردم بختیاری نامیده‌ایم و بنابراین این مورد به معنای طلبیدن و طلبیده شدن بسیار نزدیک است و از این رو طلبیده شدن برای بخشایش گناهان و آمرزیده شدن نیز نوید و امیدی برای مردم در آن زمان بوده است. به‌بیان‌دیگر فشارهای ناشی از مسائل مختلف سبب انزوا و در لاک خویش خزیده شدن مردم شده بود و در نتیجه این موضوع شرایط را برای ظهور عرفان‌های جدید مهیا می‌کرد.



نمودار ۱- شرایط اجتماعی و فرهنگی

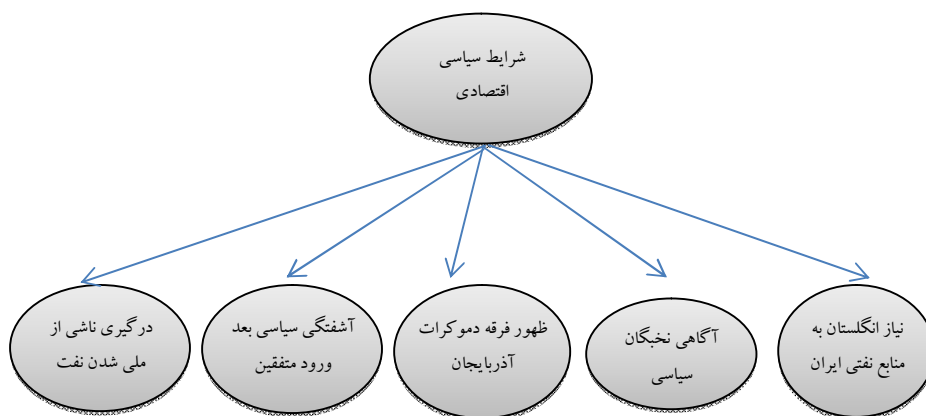
زمینه‌های سیاسی و اقتصادی

آشفتگی سیاسی در این دوره به دلیل از بین رفتن حکومت اقتدارگرای مدرن رضاشاهی بود و هم‌چنین ورود نیروهای متفکین به کشور که خود زمینه‌ساز بسیاری از مسائل و مشکلات سیاسی اجتماعی از جمله انتقال قدرت از رضاشاه به فرزندش محمدرضا و هم‌چنین کمبود مواد غذایی و قحطی در تمام نقاط کشور شد. درهرحال آنچه مسلم است این است که سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ ه.ش سال‌هایی بودند که بیگانگان و دول خارجی از جمله انگلستان به لرزه و تکاپو افتاده بودند. چرا که دست آنان از خوان نعمتی که سال‌ها از آن ارتزاق و یا بهتر باید گفت چپاول می‌کردند قطع می‌شد. بنابراین برای جلوگیری از این اتفاق دست‌به‌کارهای بسیاری زدند اول این که آن‌ها می‌خواستند خوزستان را از کشور جدا سازند و به همین واسطه به تحریک قبایل عرب و سوءاستفاده از عقاید مردم بختیاری دست زدند، تا آنان را نسبت به دنیا بی‌تفاوت کنند و از این طریق اهداف خود را پوشش دهند.

روند مستعمره زدایی بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد. یکی از اولین مستعمراتی که از انگلستان اعلام استقلال کرد، در ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) هندوستان بود، که به دو قسمت پاکستان و هندوستان تقسیم شد و انگلستان این کشور را ترک کرد (الهی، ۱۳۹۰: ۵۰-۵۱). انگلستان با از دست دادن مستعمره بزرگ خود یعنی هندوستان، نمی‌خواست منابع نفتی ایران را هم از دست دهد. از این رو هر تلاشی برای نگهداشت این منابع انجام داد. یکی دیگر از عمده عوامل راه‌اندازی فرقه سیاسی مذهبی طلع‌عیان را باید در راه‌اندازی فرقه دموکرات آذربایجان که زیر نظر شوروی ایجاد شده بود دانست، زیرا سیاست‌های دو کشور انگلستان و روسیه همواره در جهت منافع خود و مخالف یکدیگر عمل می‌کرد. به بیان دیگر با دادن هرگونه امتیازی در جنوب کشور به انگلستان، دولت روسیه نیز خواهان امتیازی برابر در شمال می‌شد و بالعکس. سود اقتصادی نفت برای دولت انگلستان از یک سو و این که چرچیل سعی داشت تا قدرت نیروی دریایی‌اش را تقویت کند. بنابراین او سعی داشت تا سوخت کشتی‌ها را از زغال‌سنگ به سوخت مایع و نفتی

۱۳۳ بررسی جامعه‌شناختی فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان ...

تبدیل کند، بنابراین نیاز مبرمی به نفت پیدا می‌کرد. هم‌چنین پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش سیاست ایران رو به سوی موازنه منفی داشت. دولت مصدق که در رأس این تفکر قرار داشت از چپاول منابع کشور و به‌ویژه منابع نفتی آن توسط انگلستان آگاهی داشت و بنابراین می‌خواست نفت را ملی کند و دست انگلستان را از غارت منابع نفتی کشور کوتاه کند. آشنفتگی‌های سیاسی بعد از ورود نیروهای متفق نیز که اثرات بلندمدتی بر اقتصاد و سیاست کشور گذاشت نیز عامل مهمی بود که زمینه‌های رشد و ایجاد فرقه طلوعیان را فراهم می‌کرد. در شمای کلی می‌توان گفت، فضای کلی کشور به‌صورت هرج‌ومرج گونه بوده است. بنابراین در فضای هرج‌ومرج سیاسی و التهاب جامعه، امکان بروز هرگونه بحرانی از سوی گروه‌ها، نیروها و قدرت‌های بیگانه وجود دارد.



نمودار ۲- شرایط سیاسی اقتصادی

بسترها و زمینه‌های گرایش به فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان از دل مصاحبه‌ها و هم‌چنین مطالعه کتب و اسناد و روزنامه‌های مربوط به دوران مزبور بیرون کشیده شد. اگرچه نظریه زمینه‌ای در پی فهم زمینه‌ها و شرایط ذهنی و عینی رشد یا افول یک پدیده به میانجی تفاسیر کنشگران اجتماعی و یا اسناد می‌باشد. سؤال ما این است که چه شرایطی سبب گرایش افراد به فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان بوده است. پژوهش‌های اجتماعی می‌کوشند تا بسترها و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی اقتصادی و فرهنگی بروز

یک پدیده را بررسی و کشف کنند. نظریه زمینه‌ای در پی فهم زمینه‌ها و شرایط عینی رشد یا افول یک پدیده به میانجی تفاسیر کنشگران اجتماعی است. یعنی آن‌گونه که آن‌ها پدیده را تجربه و درک کرده‌اند و تفسیر می‌کنند و همچنین با توجه به اسناد و کتبی که دوره مربوط را تفسیر و توصیف می‌کنند، این زمینه‌ها و بسترها را فهم کند.

مقوله‌بندی زمینه‌های ورود افراد به فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان

پژوهش‌های اجتماعی تلاش می‌کنند بسترها و موانع شکل‌گیری پدیده‌ها را بررسی کنند. گراند تئوری (نظریه زمینه‌ای) که در پی فهم زمینه‌ها و شرایط عینی رشد یا افول یک پدیده به میانجی تفاسیر کنشگران اجتماعی و یا اسناد می‌باشد. به بیان دیگر در روش کیفی و استراتژی‌های آن تجربه و درک مستقیم کنشگران بسیار مهم است. در این‌جا بسترها و شرایط، تسهیل‌کننده گرایش افراد به فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان و همچنین نحوه گرایش افراد به آن فرقه بیان می‌شود. برای یافتن پاسخ، مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته‌ای انجام گرفت. در جدول ۲ به کدگذاری داده‌های مورد نظر که در مصاحبه‌ها بدست آمده است پرداخته شد. داده‌های زیر به صورت نمونه‌هایی هستند که از دل مصاحبه‌های افراد مورد نظر بیرون کشیده شده‌اند و سپس مفهوم‌پردازی درباره آن‌ها صورت گرفته و پس از آن نیز به مقوله‌بندی آن‌ها پرداخته شده است.

جدول ۲- کدگذاری باز و محوری بسترها و زمینه‌ها

مقولات	مفاهیم	نمونه عبارت
مداخله دولت	سکوت کردن مردم، اعمال قدرت نظامی دولت	«مأموری از طرف شاه آمد و فردی را دستگیر کرد (لباس دولتی به تن داشتند) مأموران به مردم گفتند که این چه کاری است؟ (منظور طلوعی) و مردم پس از آن سکوت کردند دیگر طلوعی نشدند.»
عدم آگاهی	جوانی، تقلید	من در آن هنگام جوان بودم و نمی‌دانستم و از دیگران تقلید می‌کردم و می‌پریدم و می‌گفتم بر محمد صلوات

بخشش گناهان	وعده بخشش گناهان	کسی که طلوعی می‌شد یک امتیاز بدست می‌آورد که به واسطه آن گناهانش بخشیده می‌شد. به من می‌گفتند تو کافر هستی چون طلوعی نشدی.
بی‌سوادی	نداشتن امکانات آموزشی	من فرد باسوادی نبودم و در سن ۱۵-۱۶ سالگی حتی اسم خودم را نمی‌توانستم بنویسم.
تعهد دینی	دین‌داری، ارادت به مذهب	کسی که بیشتر اهل نماز بود و تعهد بیشتری به مذهب و دین داشت زودتر طلوعی می‌شد و بیشتر دچار هیجان هم می‌شد خیلی از آن‌ها هم نه این که تقلید کنند واقعاً شور می‌گرفتند.
فریب‌کاری	سوءاستفاده از عقاید مردم	مستر جیکاک خود را در بین مردم این‌طور جا داده بود که من از طرف حضرت علی (ع) آمدم و در بین ایل و عشایر بختیاری فعالیت می‌کنم.
نیاز انگلستان به نفت	اهمیت نفت	سید جیکاک یک فتوایی داد که نفت نجس است و مردم هم شعار می‌دادند که: مهر علی من دلومه نفت ملی سیچنمه می‌گفت به این نفت کار نداشته باشید، بگذارید خارجی‌ها نفت را ببرند؛ نفت کثیف است مریض می‌شوید.
لیاقت	القای این زمینه ذهنی که برای طلوعی شدن لیاقت لازم است	دو سه ماه طول کشید تا ده‌دهه گشتند و افرادی را که لایق طلوعی بودند را طلوعی کنند.
وعده عدالت	خواب‌نما شدن	خانومی که خواب‌دیده بود بند و ریزی (طناب) آورد و می‌گفت همه باید از زیر آن رد شوند و می‌گفت این زنجیر عدالت است.
عدم حضور مبلغ دینی روحانی	حتی در شهر هم روحانیون چندانی نبودند	در روستای ما نه مسجد وجود داشت و نه آخوند و روحانی.

از اظهارات مصاحبه‌شوندگان، چهار مقوله عمده زیر بدست آمد که شامل بسترهای عینی و ساختاری و بسترهای ذهنی و موانع ساختاری و ذهنی است. بسترها، زمینه‌ساز گرایش افراد به فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان بود و موانع، مقولاتی‌اند که از گرایش افراد به فرقه طلوعیان جلوگیری می‌کنند.

جدول ۳- کدگذاری محوری بسترها و موانع

نوع مقوله	مقوله عمده	مقولات
شرایط تسهیل‌کننده	بسترهای عینی / ساختاری (بیرونی)	عدم حضور روحانیون
		بی‌سوادی
		نیاز انگلستان به نفت
		فریب‌کاری
	بسترهای ذهنی / کنشگرانه	وعده بخشش گناهان
		عدم آگاهی
		تعهد دینی
		وعده عدالت
شرایط بازدارنده	موانع ساختاری	مداخله دولت
	موانع ذهنی	نداشتن لیاقت قسمت نبودن

بسترهای عینی / ساختاری

در میان بسترهای عینی و ساختاری عدم حضور روحانیون در منطقه با توجه به محدود شدن فعالیت‌های آنها در دوره رضاشاه، بی‌سوادی اکثریت افراد و آنهایی هم که سواد داشتند عموماً نزد ملاهای روستا درس خوانده بودند که در آن موقع سرطلوع بودند، نیاز انگلستان به نفت و فریب‌کاری‌های سر جیکاک از دیگر مقوله‌های بدست آمده می‌باشد.

بر اساس فراوانی پاسخ‌ها، عدم حضور روحانیون و بی‌سوادی از سایر مقولات مهم‌تر است. مقوله محوری در اینجا عدم حضور روحانیون در منطقه دانسته شده است.

بسترهای ذهنی / کنشگرانه

آنچه که به‌عنوان بسترهای تسهیل‌کننده برای گرایش افراد به فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان بوده است را می‌توان به عدم آگاهی افراد نسبت به تعلیمات و آموزه‌های دینی و اسلامی، شرایط منطقه و شرایط جهانی و همچنین شرایط مربوط به استثمار منابع نفتی توسط انگلستان، اشاره کرد و عامل دیگر تعهد دینی افراد بود که عمدتاً در قوم بختیاری ارادت ویژه به ائمه (ع) و امام‌زادگان داشته‌اند. از این رو ترس ناشی از این که نکند به واسطه ائمه (ع) دچار غضب الهی شوند باعث شده بود نسبت به فریب‌کاری انگلستان ساده‌لوحانه برخورد کنند. وعده عدالت نیز خود یکی دیگر از عواملی بود که اثر مهمی در ذهنیت افراد داشته است و بنابراین می‌توانست یادآور ظهور امام زمان (عج) تلقی شود. وعده بخشش گناهان نیز یکی از عوامل مهم در گرایش افراد به فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان بود. بنابراین آنان نیز با توجه به اعتقادات پاک و درونی‌شان می‌بایست خود را برای رسیدن به رستگاری مهیا و پاک می‌کردند و راه این کار را نیز در گرویدن به آیین فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان و نذر نیازی می‌دانستند. محوری‌ترین عامل در این جا عدم آگاهی افراد بوده است. این نیز خود به سبب عدم آگاهی آنان نسبت به تعلیمات دینی و آموزه‌های اسلامی به‌طور عمیق بوده است.

موانع ساختاری

فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان به‌گونه‌ای بوده است که همه افراد را در برنمی‌گرفته است؛ اگرچه اکثریت جامعه دچار آن شده بودند اما در هر حال موانعی وجود داشته که از ورود و گرایش بیشتر افراد به این فرقه جلوگیری کرده است. مهم‌ترین عامل

ساختاری در این جا را باید **مداخله دولت** و جلوگیری از گسترش بیشتر این فرقه دانست.

موانع ذهنی

مهم‌ترین موانعی که از دل مصاحبه‌های صورت گرفته استخراج شد را باید مربوط به نداشتن لیاقت، و قسمت نبودن دانست. به این بیان که افرادی که دچار جنون نشده بودند بیان می‌کردند که لیاقت نداشته‌اند و برخی از آنان نیز عنوان داشتند که قسمت نبوده و خداوند نخواست است و اگر خدا می‌خواست ما هم طلوعی می‌شدیم. البته نکته قابل توجه این است که برخی از این افراد با طلوعیان همراهی می‌کردند اما دچار جنون نمی‌شدند. محوری‌ترین عامل را باید **قسمت نبودن دانست** یعنی این ذهنیت تقدیرگرایی سبب می‌شد تا برخی افراد با بیان این که قسمت نیست دچار جنون شوند، به آیین فرقه نگرایند.

مقوله‌بندی انگیزه‌های گرایش به فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان

افراد مورد مصاحبه برای گرایش به فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان انگیزه‌ها و دلایل و نیاتی دارند و کنش‌های آن‌ها همواره در جهان نمادهای از پیش تعیین شده و یا ناخودآگاه انجام گرفته است. از این طریق پژوهشگر می‌تواند به معانی ژرف کنش اجتماعی آنان دست یابد. در این جا با بررسی پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، فرایند کدگذاری باز و محوری انجام می‌شود. مفاهیم و مقولات محوری نیز با توجه به آن برساخته شده است. همان گونه که در بالا آمده است زمینه‌های شکل‌گیری فرقه سیاسی - مذهبی طلوعیان شامل شرایط علی انگیزه‌ها و زمینه‌ها می‌باشد. در این جا شرایط علی از مطالعه شرایط مورد نظر آن دوره زمانی از کتب و روزنامه‌ها و اسناد و پایان‌نامه‌ها گردآوری شد. زمینه‌ها و انگیزه‌ها نیز بر اساس مصاحبه‌های انجام شده با افراد بدست

آمد. در واقع بخشی از زمینه‌ها دربرگیرنده عوامل و شرایط بیرونی هستند که افراد در ایجاد آن‌ها نقشی نداشته‌اند. از سوی دیگر بخش دوم در این جا انگیزه‌های افراد را در برمی‌گیرد که به نوعی حاصل نقاط عطف درونی آنان می‌باشد.

جدول ۴- کدگذاری باز و محوری انگیزه‌های گرایش به فرقه سیاسی-مذهبی طلوعیان

مقولات	مفاهیم	نمونه عبارات
ترس	ترس از عدم بخشیده شدن و ترس از گناهکار بودن	مردم از ترس دچار طلوعی می‌شدند و برای رفع شدن آن به زیارت امامزاده‌ها می‌رفتند.
امید	امیدوار بودند که امام علی (ع) آنان را یاری دهد	بعضی هم کار (کشاورزی) و خانه و دام خود را رها می‌کردند و می‌گفتند حضرت علی (ع) نگهدار آن‌هاست. یکی از افراد ساکن روستای لیر فرزند خود را در آتش انداخت به امید این که امام علی (ع) نگهدار او می‌باشد.
وقت‌گذرانی	برپایی جشن، روضه	برنامه غذایی را هم در آن زمان هرکسی نمی‌توانست غذاهایش را فراهم آورد چون همه جای مملکت به یک اندازه از نعمات برخوردار نبودند. مردم طلوعی شده علم و بیرق به پا می‌کنند و جشن می‌گرفتند و روضه می‌خواندند و گوسفند ذبح می‌کردند.
همرنگ جماعت	خیلی از افراد برای هم‌رنگی با جماعت و کاهش تنش‌های اجتماعی ناشی از عدم طلوعی، اظهار می‌کردند طلوعی شدند	تنها کسی که وجدانش قبول نکرد بگوید طلوعی شده‌ام من بودم وگرنه هر کس که بالا و پایین می‌شد و می‌افتاد می‌گفت من طلوعی شده‌ام، جز عده کمی نیفتادند مثلاً مرحوم عبدالعلی به من گفت تو که طلوعی نمی‌شوی چرا می‌فتی؟! گفتم می‌خواهم هم‌رنگ جماعت شوم می‌خواستم ببینم واقعاً من هم طلوعی می‌شوم یا نه اما دیدم که نه! طلوعی نشدم.

عذاب وجدان	اعتراف به گناه،	این مال دزدی گلویم را گرفته (گریبانم را گرفته است) و وقتی صاحب مال را می آوردند می گفت معلم حالات و بلند شو و فرد طلوعی شده خوب می شد.
احساس ارزشمندی و سرآمدی	مزیت اجتماعی	افرادی که طلوعی می شدند نوعی امتیاز اجتماعی کسب می کردند.
احساس آرامش	طلب بخشش	وقتی فرد به گناهانش اعتراف می کرد و سپس طلب بخشش می کرد آرام می شد.
داشتن جذابیت	تازه و نو بودن	برای ما حالت تازگی داشت و می ترسیدیم که جان ما را بگیرد.

سپس در این جا با توجه به مفاهیم و مقولات برساخته از پاسخ های مصاحبه شونده ها، آن ها را در سه مقوله عمده دسته بندی کردیم.

جدول ۵- کدگذاری محوری انگیزه های گرایش به فرقه سیاسی-مذهبی طلوعیان

نوع مقوله	مقوله عمده	مقولات
رهایی	(عقلانیت سنتی)	معذوریت اخلاقی
		همرنگ جماعت
عاطفی	عقلانیت عاطفی	وقت گذرانی
		جذابیت
سعادت مندی	عقلانیت ارزشی	ترس
		امید
		عذاب وجدان
		احساس ارزشمندی
		احساس آرامش

همان گونه که در جدول کدگذاری محوری دیده می‌شود، در فرایند کدگذاری اظهارات مصاحبه‌شوندگان پیرامون انگیزه‌ها و دلایل گرایش به فرقه سیاسی - مذهبی طلوعیان سه مقوله عمده رهایی از فشارهای اجتماعی (عقلانیت سنتی) که به نوعی سبب هم‌رنگی و تقلید از ارزش‌های ایجادشده در جامعه مورد نظر بوده است، عقلانیت عاطفی و عقلانیت ارزشی می‌باشد. که به ترتیب در سه مقوله رهایی، عاطفی و سعادت‌مندی قرار گرفته‌اند. در ذیل به طور جداگانه به هر کدام پرداخته می‌شود.

عقلانیت سنتی

اقتدار سنتی بر اعتقاد به تقدس سنت و گذشته ازلی استوار است (کوزر، ۱۳۸۹: ۳۱۱). کنش سنتی، مشروعیت خود را از سنت‌ها می‌گیرد یا از اعتقاداتی که جزء عادت و طبیعت ثانوی شده است (صبوری، ۱۳۹۱: ۳۷). در عقلانیت سنتی کنشگر از عادت‌ها، عرف و یا باورهای طبیعی جامعه خود پیروی می‌کند و دیگر برای انجام عمل خود نیاز به تعیین هدف ندارد بلکه از عادت‌ها پیروی می‌کند. در این جا معذوریت اخلاقی که به سبب حضور افراد مورد اعتماد و بانفوذ به عنوان سرطلوع بودند ایجاد می‌شد. به بیان دیگر افراد چون نمی‌توانستند از عرف جامعه خود فراتر روند در نتیجه دچار معذوریت اخلاقی می‌شدند و این معذوریت اخلاقی نیز خود عامل دوم که هم‌رنگ جماعت شدن بود را بازتولید می‌کرد. در این بخش محوری‌ترین مقوله را می‌توان در **هم‌رنگی با جماعت** تلقی کرد. بر این اساس اگر فرد طلوعی نمی‌شده است فشارهای اجتماعی بسیاری بر وی تحمیل می‌شده است (حتی ممکن بود فرد را به عنوان کافر تلقی کنند) و از سوی دیگر نیز فشارهای درونی ناشی از احساس اضطراب ناشی احساس گناه سبب می‌شد تا فشار بسیاری را تحمل کند و در نتیجه با گرویدن به آیین طلوعیان از این فشارهای اجتماعی و درونی رهایی می‌یافت.

عقلانیت عاطفی

کنش عاطفی تحت تأثیر حالت روحی یا وضع روانی و احساسی فرد صورت می‌گیرد و نه در سنجش و انتخاب معقولانه وسایل و هدف‌ها. (صبوری، ۱۳۹۱: ۳۶). حاکمیت این نوع از عقلانیت، در جوامع سنتی بیش از جوامع مدرن است. بنابراین در این نوع از عقلانیت دو مقوله جذابیت و وقت‌گذرانی به‌عنوان مقوله‌های محوری برگزیده شدند. در این بین با توجه به جنبه عاطفی قوی در بین مردم، داشتن جذابیت به‌عنوان مقوله محوری مهم در نظر گرفته شد.

عقلانیت ارزشی

کنش عقلانی معطوف به ارزش یعنی عملی که مطابق با معیارهای ارزشی آگاهانه است. در این نوع عقلانیت دیگر هدف ذاتی بیرونی معنا ندارد بلکه برای آن است که فرد به یک نتیجه ارزشی دست یابد (صبوری، ۱۳۹۱: ۳۶). مقولاتی که در این‌جا استخراج شدند عبارت‌اند از: ترس، که به سبب ترس از عدم بخشودگی بوده است، مقوله دوم داشتن امید بوده است به این معنا که افراد امیدوار بودند که مورد بخشایش قرار گیرند و جامعه رو به‌سوی ایده آل شدن برود. مقوله سوم داشتن عذاب وجدان بود که در آن مردم به‌واسطه انجام گناهی که انجام داده بودند و به‌ویژه آنچه که نسبت به سایر مردم انجام داده بودند، احساس عذاب وجدان داشتند. مقوله چهارم احساس ارزشمندی بوده است به این معنا که افرادی که طلوعی می‌شدند احساس سرآمدی می‌کردند چراکه آن‌ها به‌عنوان افراد پاک‌طینت که مورد بخشش قرار گرفته‌اند، مطرح می‌شدند... مقوله پنجم نیز احساس آرامش بوده است، به این معنا که فرد پس از ورود به فرقه و توبه کردن و طلب بخشش از افراد مورد نظر، به احساس آرامش می‌رسید. در این‌جا ترس از غضب الهی به‌عنوان محوری‌ترین مقوله استخراج شده است.

پیامدهای فرقه سیاسی - مذهبی طلوعیان

در این بخش نیز همانند سایر بخش‌ها از مصاحبه‌های انجام شده مفاهیمی بدست آمد و سپس مفاهیم در قالب مقولات کدگذاری شد.

جدول ۶- پیامدهای فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان

مقولات	مفاهیم	موارد
دنیا‌گریزی	ریاضت کشی	بعضی هم کار (کشاورزی) و خانه و دام خود را رها می‌کردند و می‌گفتند حضرت علی (ع) نگهدار آن‌هاست.
فقر	برخی افراد تمام اموال خود را نذر می‌کردند و از این‌رو دچار فقر می‌شدند	در محله ما یک امامزاده‌ای به نام امیرالمؤمنین بود؛ فردی هم به اسم شمس‌الله که تحت تأثیر قرار گرفته بود تمام گاو و گوساله‌هایش را در آن امامزاده سر برید.
کاهش جرم	خویشتر داری، گرایش شدید به عبادت،	سید علاءالدین سخنرانی می‌کرد که مثلاً زنها و مردها مال مردم نخوردید، دزدی نکنید، قانع باشید و... در آن زمان افراد به اموال یکدیگر تعرض نمی‌کردند. اگر کسی مالی را پیدا می‌کرد آن را تصاحب نمی‌کردند و صاحب‌مال را پیدا می‌کرد.
توهم	اعتقادات شدید قلبی بدون شناخت حقیقی	یکی از آقایون محمدی ۷ الی ۸ پسر داشت که یکی از آنها را نذر الله کرد (این فرد دچار طلوعی شده بود). خانومی طلوعی شده بود و می‌گفت خواب دیده اینجا امامزاده‌ای هست باید بیرونش بیاوریم، وقتی کار می‌کردم و همین سنگ‌های معمولی که از خاک بیرون می‌آمدند می‌رفت جمعشان می‌کرد و به بغل

		می گرفت و می گفت: ببینید این‌ها فرق دارند مگر شما کورید که نمی‌بینید. گر چه می‌دیدیم که فرقی ندارند و همین سنگ‌های معمولی هستند از نظر چشمان خانوم طور دیگری دیده می‌شدند.
افزایش دین‌داری مناسکی	روی آوردن به عبادت	در آن زمان حتی افرادی که نماز نمی‌خواندند و روزه نمی‌گرفتند در آن سال‌ها فقط کارشان عبادت بود.
انجام اعمال خلاف شرع	توبه در حضور سر طلوع	هر کس مالی را دزدیده بود تحویل می‌داد، دزدان توبه کردند.
آبروریزی	طلب حلالیت، اعتراف به گناه سبب آبروریزی می‌شد	کسی که ۵۰ یا ۱۰ سال پیش خلافی کرده بود، می‌گفت این مال دزدی گلویم را گرفته (گریبانم را گرفته است) و وقتی صاحب‌مال را می‌آوردند می‌گفت حلالم کن و پس از طلب حلالیت فرد خوب می‌شد. در آن زمان شنیده بودم فردی بود که خیلی خیانت می‌کرد، یک امامزاده داشتیم رفت به آن امامزاده و دست به دامان امامزاده شد و گفت یا امامزاده طلوعی مرا نگیرد اگر طلوعی شوم حیثیت و آبروی من می‌رود؛ که آن فرد طلوعی نشد.
سرگرمی و کارناوال	تبدیل شدن دین به سرگرمی	مردم که کاری نداشتند این موضوع برای آن‌ها یک سرگرمی نیز به حساب می‌آمد، این جزء برنامه مابود. مردم طلوعی شده علم و بیرق به پا می‌کردند و جشن می‌گرفتند و روزه می‌خواندند.
تفرقه و نزاع بین طوایف	جنگ بر سر این که چه کسی سرطلوع باشد	در برخی روستاها تضادهای قومی را دوباره زنده کرد و طوایف را به جان هم انداخت. وقتی افراد طلوعی می‌شدند ممکن بود با افراد درگیر شوند و سر طلوع به آنان می‌گفت به حکم علی (ع) سکوت کن و سرجایت بشین.

بررسی جامعه‌شناختی فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان ... ۱۴۵

بی‌توجهی به انجام وظایف	عدم توجه به زندگی	زنان با خواندن این اوراد: مهر علی در دلمه بچه‌داری سی چنمه مهر علی در دلمه میره ^۱ داری سی چنمه مهر علی در دلمه خونه داری سی چنمه ابراز وفاداری به امام علی ع می‌کردند.
هرج و مرج	مداخله دولت، التهاب در جامعه	مأموری از طرف شاه آمد و فردی را دستگیر کرد (لباس دولتی به تن داشتند) مأموران به مردم گفتند که این چه کاری است؟ سید علاءالدین که می‌خواست به قلعه تل برود برای تبلیغ از او جلوگیری کردند.

پس از فرایند کدگذاری باز، مفاهیم و مقولات در خصوص پیامدهای فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان به چهار مقوله عمده دسته‌بندی شدند.

جدول ۷- کدگذاری محوری فرقه سیاسی - مذهبی طلوعیان

نوع مقوله	مقوله عمده	مقولات
پیامدی	فرهنگی	سرگرمی و کارناوال
		انجام اعمال خلاف شرع
		توهم‌زایی و خرافه‌گرایی
		افزایش دین‌داری مناسکی و فرقه‌ای
پیامدی	سیاسی	نامنی سیاسی و هرج و مرج
پیامدی	اقتصادی	فقر
		دنیا‌گریزی
پیامدی	اجتماعی	بی‌توجهی به انجام وظایف
		آبروریزی
		نزاع و تفرقه بین طوایف
		کاهش جرائم اجتماعی

پیامدهای فرهنگی

بنا بر اظهارات مصاحبه‌شوندگان و تفاسیر تجارب آنها پیامدهای فرهنگی به شرح زیر می‌باشند: سرگرمی و کارناوالیزه شدن، به این معنا که همان گونه که طلوعیان برای انجام تبلیغات خود به روستاهای اطراف می‌رفتند، بنابراین رفته‌رفته از جدی بودن طلوعیان کاسته شد و برای اکثریت افراد جنبه سرگرمی پیدا کرد و افراد نسبت به آن بی‌اعتنا شدند و در نتیجه این مسئله خود سبب می‌شد که جامعه تکثر دین‌داری را تجربه کند در نتیجه به سمت سکولاریسم پیش رود، البته به این معنا نیست که جامعه مورد نظر سکولار شده است، بلکه اثرات خود را بر دینداری افراد پس از طلوعی گذاشته است. مقوله دوم انجام اعمال خلاف شرع است؛ در دین اسلام اعتراف به گناه جایز نیست و این موضوع جز در پیشگاه پروردگار و برای توبه کردن و یا در محضر قاضی عادل و محکمه اسلامی جایز نیست و بنابراین افراد فرقه طلوعیان درملاءعام به گناهان خود اعتراف می‌کردند. یکی دیگر از مقولات پیامدی و فرهنگی آن توهم‌زایی و خرافه‌گرایی بوده است که سبب شده بود جامعه به سوی بازتولید و چه بسا تولید خرافات جدیدی برود. مقوله آخر دین‌داری مناسکی بوده است. دین‌داری مناسکی با توجه به مقولات بالا نتیجه آنها بوده است چرا که افراد بیشتر تر به سمت وسوی انجام مناسکی که در فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان بیان شده بود می‌رفتند. بنا بر اظهارات مصاحبه‌کنندگان و تفسیر آنها، افزایش دین‌داری مناسکی و فرقه‌ای در پیامدهای فرهنگی مهم‌ترین و محوری‌ترین مقوله بوده است.

پیامدهای سیاسی

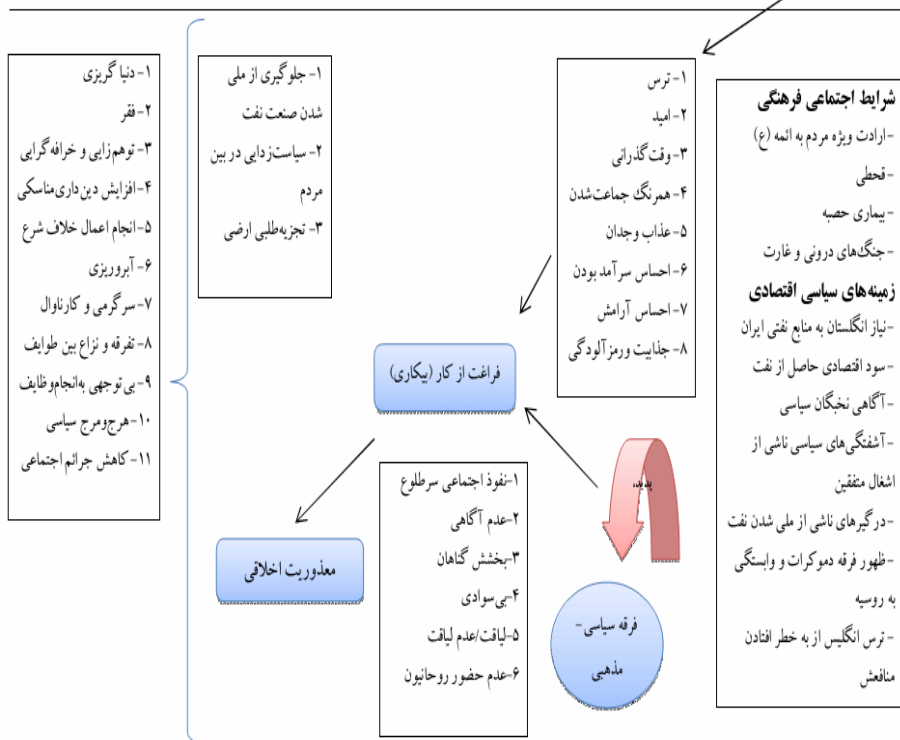
ایجاد هرج و مرج و ناامنی سیاسی مهم‌ترین مقوله در پیامدهای سیاسی فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان بوده است. به بیان دیگر ایجاد هرج و مرج در مناطق بختیاری ذهنیت بخشی از جامعه را برای مدتی از ملی شدن صنعت نفت دور می‌کرد و هم‌چنین از فعالیت‌های افراد وابسته به حزب توده که به‌عنوان یک خطر برای منافع انگلستان بودند جلوگیری می‌کرد.

پیامدهای اقتصادی

دو مقوله محوری در این بخش استخراج شده است که عبارت‌اند از: فقر، که به سبب ترس مردم و نذر کردن تمام دارایی و اموالشان رخ داده بود و مقوله دوم نیز دنیا‌گریزی بوده است. به این بیان که افراد با توجه به شعارها و تعالیمی که در فرقه سیاسی مذهبی طوعیان بیان می‌شد نسبت به مال و دارایی‌های دنیوی بی‌توجه می‌شدند. مهم‌ترین مقوله در این بخش **دنیا‌گریزی** افراد بوده است چرا که این دنیا‌گریزی بیش از هر کس به نفع دولت انگلستان بود. به بیان دیگر انگلستان با استفاده از دنیا‌گریزی می‌توانست زمینه‌های جدایی خوزستان از کشور را فراهم کند.

مدل پارادایمی فرقه سیاسی - مذهبی طوعیان در منطقه بختیاری

انگیزه‌ها و شرایط علی پدیده زمینه شرایط مداخله استراتژی پیامدها



پیامدهای اجتماعی

مهم‌ترین مقوله‌های استخراج شده در این بخش عبارت‌اند از بی‌توجهی به انجام وظایف، بنا بر اظهارات برخی از مصاحبه‌شوندگان و بر اساس شعارهایی که سر می‌دادند زنان نسبت به انجام وظایفشان مانند خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری بی‌توجه شده بودند و بیش‌تر در اندیشه انجام اعمال مناسکی فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان بوده‌اند. مقوله دوم وقوع نزاع بین طوایف بوده است، به این بیان که فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان زخم‌های کهنه طایفه‌گرایی را دوباره باز کرد و سبب شعله‌ور شدن نزاع‌های طایفگی در برخی از مناطق شد. البته از سوی دیگر سبب کاهش جرائم اجتماعی مانند دزدی می‌شد. به این معنا که افراد به مال یکدیگر تعرض نمی‌کردند. آبروریزی نیز مقوله سوم است که بنا بر اعتراف به گناه که توسط افراد می‌شد صورت می‌گرفت. محوری‌ترین مقوله در این جا کاهش جرائم اجتماعی و دزدی بوده است. در خصوص کاهش جرائم اجتماعی مانند دزدی و هرج و مرج سیاسی به نظر می‌رسد نوعی تضاد ایجاد می‌شود. بنابراین باید گفت از آنجایی که آنومی سیاسی سبب هرج و مرج می‌شود اما وجدان دینی مردم سبب شده بود تا جرائم اجتماعی مانند دزدی کاهش یابد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که گفته شد می‌توان گفت سر جیکاک با شناختی که از مردم منطقه بختیاری بدست آورده بود و درست در دوره ملی شدن صنعت نفت اقدام به راه‌اندازی فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان کرد. از جمله اهداف مربوط به راه‌اندازی این فرقه می‌توان به ممانعت از ملی شدن نفت و هم‌چنین جدایی ارضی خوزستان اشاره کرد. انگلستان بنا بر آنچه در کتب آمده است در سال ۱۳۲۵ هـ.ش یک‌بار اقدام به جدایی خوزستان کرده بود اما موفق نشد. هم‌چنین در سال ۱۳۲۷ هـ.ش با توجه به اسناد وزارت امور

خارج اقدام به عکس برداری هوایی از مناطق نفتی کرده بود. همه این‌ها فرض زمینه‌سازی برای جدایی خوزستان از کشور را تأیید می‌کنند. گذشته از این موارد آن‌چه که به‌عنوان سؤال اصلی این تحقیق بوده است بررسی عوامل درونی و زمینه‌ها و انگیزه‌های گرایش به این فرقه و همچنین پیامدهای آن در جامعه مورد نظر بوده است؛ بنابراین از جمله شرایط علی اجتماعی و سیاسی آن می‌توان به تعهد دینی مردم، جنگ‌ها و غارت‌ها، قحطی و بیماری و همچنین می‌توان به از دست دادن مستعمره انگلستان یعنی هندوستان اشاره کرد. از سوی دیگر انگلستان نیاز اساسی به منابع نفتی برای تجهیز قدرت نیروی دریایی خود داشت، از سوی دیگر نفت ارزان فرصت خوبی برای جبران بود. از طرفی نخبگان سیاسی کشور مانند دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی نیز به خودآگاهی سیاسی برای اعلام ملی کردن صنعت نفت رسیده بودند. همچنین از جمله انگیزه‌های گرایش مردم به این فرقه را می‌توان به ترس از غضب الهی به دلیل وجود روح دینی قوی در جامعه‌ای که یکدست شیعه مذهب‌اند و ترسی که از ائمه (ع) داشته‌اند، برشمرد و نیز امید برای زندگی آسوده‌تر؛ چرا که شعارهای سر طلوع‌ها به‌نوعی نوید یک جامعه برابر و عاری از خشونت را می‌داد، چرا که مردم به سبب بروز قحطی‌ها و بیماری‌ها و همچنین جنگ‌ها و راهزنی‌های درونی، گویی انتظار آمدن دستی از غیب و رهانیدن آنان از آن ورطه را داشتند، وقت‌گذرانی نیز از دیگر انگیزه‌های ورود افراد به آن فرقه بود؛ برخی از افراد نیز به سبب فراغت از کار و باهدف گذراندن اوقات و جذابیتی که به سبب تازگی و عجیب بودن آن وجود داشته است به آن روی آورده بودند، از طرفی احساس سرآمد بودن نیز خود یکی از دلایلی بوده است که سبب شده بود مردم با گرایش به این فرقه و تمایزی که از سایرین می‌یافتند و همچنین به دلیل این تلقی که با گرایش و ورود به این فرقه گناهانشان بخشیده شده است و گویی که مورد لطف الهی قرار گرفته‌اند، به‌نوعی در خود حس سرآمد بودن می‌کردند، اشاره داشت.

از جمله دیگر زمینه‌هایی که فارغ از اسناد و کتب و از دل مصاحبه‌ها بیرون آمده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نفوذ اجتماعی سرطلوع که به‌نوعی دارای کاریزمای روحی و شخصیتی بوده است و با رهبری خود زمینه ورود سایر افراد را نیز مهیا می‌کرد، عدم آگاهی مردم از تعالیم دین و سادگی آنان و همچنین عدم آگاهی آنان از مسائل سیاسی کشور به سبب محصور بودن در حصار کوهستانی و عدم وجود وسایل ارتباطی نیز از جمله عواملی بوده که زمینه ورود افراد را مهیاتر می‌کرده است، بخشش گناهان فریبی بوده است که برخی از سرطلوع‌ها به مردم القا می‌کردند و به این صورت بوده است که تنها کسانی مورد بخشش واقع می‌شوند که به آیین این فرقه درآیند، بی‌سوادی مردم نیز خود یکی دیگر از عواملی بوده که ناآگاهی آنان را دامن می‌زده است، از طرفی تنها کسانی که اندک سوادی داشته‌اند نیز خود نزد ملاها که تبدیل به سرطلوع شده بودند تعلیم‌دیده بودند و اساساً تعالیم و نظام آموزشی مدرن هنوز در آن‌جا راه نیافته بود، لیاقت یا عدم لیاقت یکی از تصورها و القانات ذهنی‌ای بود که مردم داشته‌اند و لیاقت داشتن خود یکی از عوامل تسهیلگر ورود افراد به این فرقه بوده است و از طرفی عدم لیاقت به سبب تصورات ذهنی متفاوت افراد یکی دیگر از عواملی بوده است که مانع ورود افراد به این فرقه بوده است، از سوی دیگر عدم حضور روحانیون در منطقه که به سبب اقدامات رضاشاه در نوسازی جامعه بوده است نیز سبب شده بود تا مردم نتوانند به مباحث و احکام دین به‌طور عمیق آگاهی یابند. همچنین از جمله شرایط مداخله‌گر که سبب سرعت بخشیدن به جذب افراد و گرایش آنان به این فرقه شده بود می‌توان به فراغت از کار به این صورت که این فرقه در زمانی در منطقه شیوع پیدا کرد که مردم از کار کشاورزی وارسته شده بودند از سوی دیگر معذوریت اخلاقی که افراد نسبت به حرمتی که برای افراد سرطلوع قائل بودند نیز سبب تسریع این موضوع شده بود. در واقع وجود روح دینی و عقلانیت عاطفی و سنتی حاکم بر جامعه مورد نظر به‌گونه‌ای بود که افراد نمی‌توانستند در برابر تعالیم سرطلوع‌ها که عمدتاً

از افراد بانفوذ بودند مقاومت کنند. از سوی دیگر تعهد دینی مردم و ترس آنان از غضب الهی نیز سبب شده بود تا هر آنچه که سرطلوع‌ها بیان می‌داشتند را بپذیرند. اگرچه فرقه طلوعیان نتوانست در بلندمدت دوام آورد اما در آن برهه از زمان به‌نوعی تعادل جامعه را به هم زده بود و در نهایت پس از یک سال با مداخله دولت به پایان رسید.

همچنین از جمله پیامدهای آن نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: دنیا‌گریزی؛ مطابق تعالیم و شعائر سرطلوع‌ها بی‌توجهی به دنیا یکی از پیامدهایی بوده است که گریبان افراد وارد شده به فرقه را گرفته بود و آن‌ها دست از مال و دارایی‌های خود شسته بودند و بسیاری از افراد بودند که مال و منال خود را در این راه از دست دادند؛ این مورد سبب فقر آنان شده بود. از طرفی تعالیم سرطلوع‌ها و ترسی که تمام جامعه را فراگرفته بود موجب افزایش دین‌داری مناسکی در بین مردم شده بود، یعنی آنان را به عبادت و به‌جا آوردن مناسک دینی سوق می‌داد. همچنین اعتقادات عمیق مردم منطقه چنان ریشه‌دار بود که سبب توهم‌زایی و خرافه‌گرایی در بین برخی از آنان شده بود، به‌گونه‌ای که یکی از آن‌ها بچه خود را در آتش انداخته بود و امید داشت که حضرت علی (ع) او را نجات دهد. آبروریزی نیز یکی از پیامدهایی بود که به سبب اعترافات مردم به انجام گناهانشان ایجاد شده بود، اما به سبب بالا رفتن دینداری مناسکی مردم و ترس آنان از غضب، یکدیگر را می‌بخشیدند، سرگرمی و کارناوالی شدن دین خود پیامدی اساسی بود؛ به این معنا که دین از محتوای اصیل خود خالی می‌شد؛ این مورد پیامدی بود که پس از خوابیدن جو ایجاد شده توسط طلوعیان، بیشتر ایجاد شد؛ البته در مناسک طلوعیان نیز تبلیغات به‌صورت دسته‌های کارناوالی صورت می‌پذیرفت که از یک روستا به روستای دیگر انجام می‌شد که این مورد نیز ضربه به دینداری مردم وارد می‌کرد.

از آنجایی که قوم بختیاری به لحاظ اجتماعی و فرهنگی ایلیاتی بوده‌اند و در این قوم طوایف و قبایل مختلفی وجود داشته‌اند که گاه بر سر برخی مسائل مانند آب و

زمین و یا به طور کلی رسیدن به قدرت نزاع داشته‌اند و این نزاع‌ها در طول زمان نسل به نسل بازتولید می‌شده‌اند؛ بر این اساس فرقه سیاسی - مذهبی طلوعیان نیز در برخی روستاها به این نزاع‌ها دامن زده بود یعنی افراد بر سر رسیدن به مقام سرطلوعی و یا این که سرطلوع از چه طایفه‌ای در یک روستا باشد نزاع‌ها افزایش می‌یافت. بی‌توجهی افراد به انجام وظایف نیز به این صورت بود که زنان در برخی روستاها از انجام وظایف بچه‌داری و شوهرداری خودداری می‌کردند و مردان نیز نسبت به برخی از وظایف خود بی‌توجه شده بودند. هرج و مرج سیاسی از یک سو و کاهش جرائم اجتماعی از سوی دیگر نیز از جمله پیامدهای آن بوده است. دو مورد آخر به گونه‌ای است که گویی تناقض دارند اما این دو را می‌توان با توجه به داشتن روحیه و تعهد دینی مردم توجیه کرد. به بیان دیگر اگرچه هرج و مرج سیاسی خود سبب افزایش جرائم می‌شود اما تعهد دینی مردم در این منطقه سبب کاهش جرائم اجتماعی شده بود. در خصوص ماهیت جریان طلوعیان می‌توان گفت از دل مصاحبه‌های مربوط حرفی مبنی بر فرقه بودن این جریان بیان نشده است، اما با توجه به شعایر و آیین و استراتژی‌هایی که این جریان داشته است می‌توان آن را یک فرقه سیاسی و مذهبی دانست. چراکه هم اهداف سیاسی داشته است و هم با استفاده از دین، منویات خود را در جامعه پیاده کرده بود.

منابع

- صبوری، منوچهر. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی سازمان‌ها*، تهران: نشر شب‌تاب، چاپ هفتم.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر نی.
- وبر، ماکس. (۱۳۹۰). *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، ترجمه: احمد صدارتی، نشر مرکز، چاپ نهم، تهران
- ن، جامی. (۱۳۶۲). *گذشته چراغ راه آینده*، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ دوم.

بررسی جامعه‌شناختی فرقه سیاسی مذهبی طوعیان ... ۱۵۳

- نجفی، موسی. (۱۳۸۸). بهائیت؛ پیوند عمیق و همه‌جانبه با استعمار انگلیس، مجله

تاریخ معاصر ایران، شماره ۴۹، از ۳۶۷ تا ۴۲۶

- مور، استفن و استفن پ سینکلر. (۱۳۷۶). دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی، ترجمه:

مرتضی ثاقب فر، تهران: نشر ققنوس.

- مرادی خلج، محمدمهدی و محمدمهدی روشنفکر. (۱۳۹۳). پدیده طوعیان و نقش

انگلیسی‌ها در شکل‌گیری آن، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال دوم،

شماره سوم، از ۱۵۲ تا ۱۷۲

- محدثی، حسن. (۱۳۸۱). دین و حیات اجتماعی. (دیالکتیک تغییرات). تهران: نشر

فرهنگ و اندیشه، چاپ اول.

- لایارد، سراوستن هنری. (۱۳۶۷). سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران،

ترجمه: مه‌راب امیری، تهران: انتشارات وحید.

- کیانی قلعه‌سردی، یدا.... (۱۳۹۰). قلعه سرد در گذرگاه تاریخ، نشر خود آگه، چاپ

اول، ایذه

- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۹). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن

ثلاثی، انتشارات علمی و فرهنگی

- علیزاده گل‌سفیدی. (۱۳۹۲). تشیع در بختیاری، اصفهان: انتشارات سرو چمان،

چاپ دوم.

- فلیک، اووه. (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر

نی، چاپ پنجم.

- طاهری بویراحمدی، عطا. (۱۳۸۸). کوچ کوچ، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.

- طالبی دارابی، باقر. (۱۳۹۱). فرقه‌گرایی جدید در ایران تحلیل جامعه‌شناختی

عرفان‌های نوظهور در ایران، رساله دکتری، استاد راهنما ابوتراب طالبی، اساتید

مشاور یونس نوربخش و ابراهیم موحدی، دانشگاه علامه طباطبائی

- طالبی دارابی، باقر. (۱۳۹۴). امام غائب و فرقه‌های کاذب دین و تغییر اجتماعی الگویی جامعه‌شناختی در تبیین بحران فرقه‌گرایی در جهان معاصر، **فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود**، سال نهم، شماره ۳۵.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۳). بررسی جامعه‌شناختی فرقه‌گرایی مذهبی و تأثیر آن بر نظم و ثبات سیاسی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال هفتم، شماره دوم، از ۲۲۳ تا ۲۵۳
- الهی، همایون. (۱۳۹۰). **شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم**، تهران: نشر قومس، چاپ ششم.
- استراوس، انسلم و جولیت کرین. (۱۳۹۲). **مبانی پژوهش کیفی**، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۱). **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، چاپ نوزدهم.

مصاحبه شوندگان:

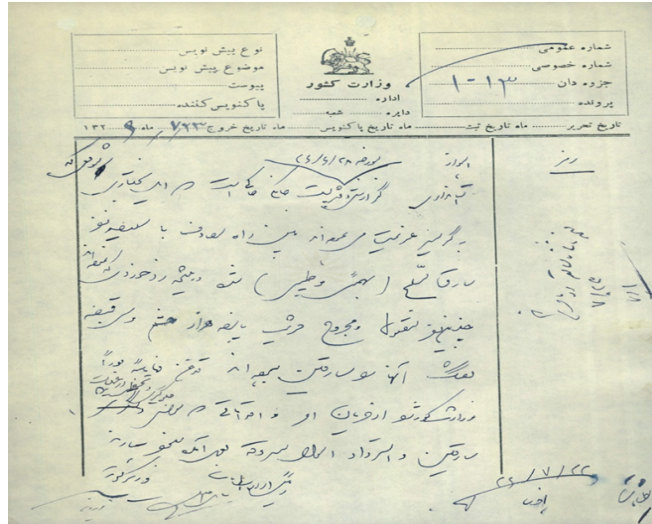
- اسحاق حاتمی، شاهد واقعه، در آن زمان ساکن روستای کول‌فرح بوده است، تاریخ مصاحبه ۹۵/۴/۲۰.
- امیدی، فاضل، شاهد واقعه، ۹۰ ساله، کشاورز، روستای تکاب، توابع شهرستان ایذه، تاریخ مصاحبه ۹۵/۳/۲۳.
- آقا مراد مرادی از اهالی روستای بیضه تک از توابع شهرستان ایذه. کشاورز، تاریخ مصاحبه ۹۵/۱/۱۰.
- باباخون مهدی پور از اهالی روستای سوسن از توابع شهرستان ایذه. کشاورز، تاریخ مصاحبه ۹۴/۱۲/۲۶.

بررسی جامعه‌شناختی فرقه سیاسی مذهبی طلوعیان ... ۱۵۵

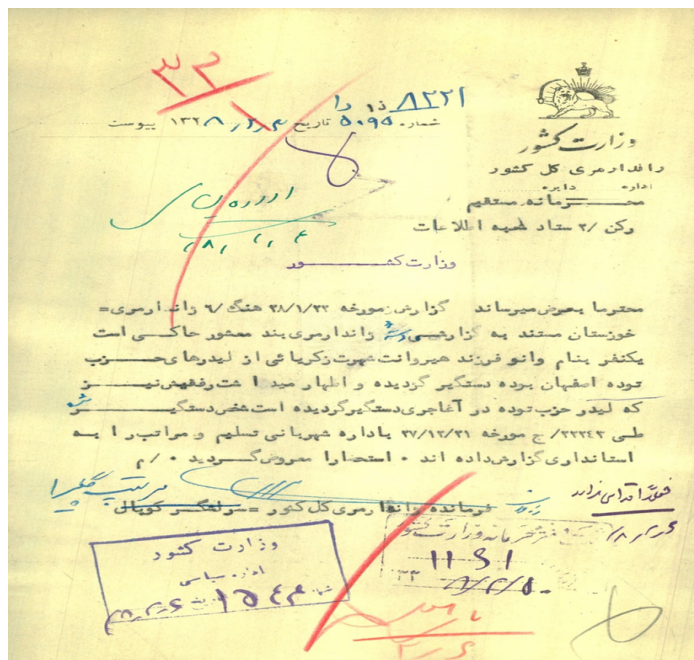
- پرچمی، ناصر، شاهد واقعه، ۷۰ ساله، دریکی از روستاهای مسجدسلیمان، معلم بازنشسته و مدرس مراکز تربیت‌معلم، تاریخ مصاحبه ۹۵/۴/۲۰.
- جانی گلی زاده، کشاورز، تاریخ مصاحبه ۹۵/۱۲/۲۷.
- حیات قلی عالی پور شاهد ماجرا ۸۱ ساله از اهالی روستای قلعه سرد، تاریخ مصاحبه ۹۴/۱۲/۲۸.
- خداکرم مستوفی از اهالی روستای هلاهیجان، کشاورز، تاریخ مصاحبه ۹۴/۱۲/۲۶.
- درویش علی منصوری از عشایر که دران زمان در روستای بابا حیدر از توابع شهرستان فارسان بودند. دامدار، تاریخ مصاحبه ۹۵/۱/۷.
- دو مصاحبه در تاریخ ۹۴/۱۲/۲۵ گرفته شد اما افراد خودشان را معرفی نکردند.
- اسد سعیدی، شاهد واقعه، ۹۰ ساله، روستای سر چاه دوپک از توابع بخش سوسن و شهرستان ایذه، تاریخ مصاحبه ۹۵/۶/۵.
- ملوسی شیخ‌زاده، خانه‌دار ۹۷ ساله، شهرستان ایذه، روستای تکاب، تاریخ مصاحبه ۹۵/۹/۵.
- شیرعلی کیانی قلعه‌سردی ۸۱ ساله و شاهد ماجرا. از اهالی روستای چلیساد قلعه سرد از توابع شهرستان ایذه، کارمند اسبق اداره بهداشت و نویسنده، تاریخ مصاحبه ۹۴/۱۲/۲۹ - ارتباط دوم ۹۵/۵/۱۶.
- عنایت ... میرزایی از اهالی روستی کلدوزخ، تاریخ مصاحبه ۹۵/۱/۷.
- فتح ... شیخ‌زاده شاهد ماجرا ۸۴ ساله، از اهالی روستای تکاب، تاریخ مصاحبه ۹۴/۱۲/۲۷.
- گودرز لیراوی شاهد ماجرا ۷۷ ساله. اهل روستای اکبرآباد رمه چر، تاریخ مصاحبه ۹۵/۱/۷.
- شاهی‌جان محمودی، خانه‌دار، ۷۷ ساله، شهرستان ایذه، بخش سوسن، روستای ده کهنه، تاریخ مصاحبه ۹۵/۹/۱.

- سیدنادر موسوی، شاهد واقعه، ۸۵ ساله، روستای ممبین و گوراب، کشاورز و دامدار، تاریخ مصاحبه ۹۵/۶/۲.
- نجات علی محمودی از روستای هلاهیجان از توابع شهرستان ایذه، کشاورز. تاریخ مصاحبه ۹۵/۱/۷.
- نصرا.. صارم. تاریخ مصاحبه ۹۴/۱۲/۲۶.
- خانلر رشیدی اوندی، ساکن منطقه کوه سفید. (دشت) تنگ کورکلی، دامدار و کشاورز، از توابع شهرستان ایذه، تاریخ مصاحبه، ۹۵/۹/۱۷.
- فردی که خود را معرفی نکرد، از روستای آب لشکر، هفتگل

پیوست‌ها



این سند نشان‌دهنده غارت در منطقه بختیاری است.



این سند نشان‌دهنده فعالیت حزب توده در مناطق نفت‌خیز جنوب است.